

بررسی انواع بدرفتاری در دوران کودکی با بخشش خانواده اصلی و خانواده فعلی در افراد متاهل

مهدی رستمی^۱، منصور عبدی^۲

و حسن حیدری^۳

هر نوع کوتاهی و غفلت یا ارتکاب به هر عملی که بهداشت و سلامت جسمانی و روانی کودک را به مخاطره اندازد و خدشه ای بر آن وارد کند، کودک آزاری قلمداد می‌شود. سو رفتار و مسامحه در مورد کودک با طیف وسیعی از مشکلات هیجانی و نشانه‌های روان‌پزشکی همراه است و به نظر می‌رسد که تجربه ی انواع بدرفتاری در دوران کودکی می‌تواند در میزان بخشش فرد در بزرگسالی موثر باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه ی انواع بد رفتاری در دوران کودکی و میزان بخشش آنها در بزرگسالی بود. بدین منظور، ۳۳۷ نفر به صورت در دسترس انتخاب و از نظر کودک آزاری و بخشش در خانواده مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که بیشترین میزان بدرفتاری گزارش شده مربوط به آزار عاطفی و کمترین آزار مربوط به آزار جسمی است. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه ی منفی و معنادار بین تجربه انواع بدرفتاری در دوران کودکی با بخشش بود. نتایج پژوهش نشان داد که آزار جنسی، آزار جسمی، آزار عاطفی و غفلت، قادر به پیش بینی میزان بخشش در بزرگسالی است. همچنین بین آزار دیدگی در زن و مرد تفاوت معناداری به دست آمد اما در میزان بخشش تفاوت معناداری دیده نشد. این مطالعه نشان داد که تجربه ی انواع بدرفتاری در دوران کودکی می‌تواند در میزان بخشش فرد در بزرگسالی تاثیر اساسی داشته باشد.

واژه های کلیدی: بدرفتاری، بخشش

مقدمه

کودک آزاری^۴، از جمله شایع‌ترین و پیچیده‌ترین مسایل روانی-اجتماعی جامعه ی امروزی است. هر روزه هزاران کودک مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند. برخی از کودکان، آماج اشکال مختلف آزار جنسی یا جسمی قرار نمی‌گیرند اما از آزار روان شناختی مثل طرد شدن، مورد تمسخر قرار گرفتن و

۱. دپارتمان روان شناسی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. (نویسنده مسوول) mehdirostamisbu@yahoo.com

۲. دپارتمان روان شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

۳. دپارتمان روان شناسی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خمین، خمین، ایران.

ترسانده شدن رنج می‌برند (محمدخانی، دلاور و محمدی، ۲۰۰۱). پیامدهای آزارگری کودکان را در دو جلوه ی جسمانی- روانی می‌توان بررسی کرد (مدنی، ۲۰۰۳). جلوه‌های جسمانی کودک آزاری بروز اختلالات رشدی، بدریختی بدنی و معلولیت جسمانی، بدی تغذیه، کبودی بدن، شکستگی استخوان‌ها و موارد مشابه بوده است (رحیمی موقر، ۱۹۹۶؛ نوروزی، ۱۹۹۳؛ رشیدی فر، ۱۹۹۷). جلوه‌های روانی را نیز می‌توان در حیطه‌های وسیعی چون پرخاشگری، رفتار تکانشی، بی‌اشتهایی یا پر اشتهایی افراطی روانی و رفتار تظاهر به خودکشی و هیستریک، ترس مرضی از مردان، انزوا گزینی، افسردگی و در مورد بدر رفتاری جنسی، رفتارهای وسواس شست و شو، اختلالات خواب، کاهش عزت نفس و اقدام به خودکشی تعقیب کرد (اسدالهی و برات وند، ۲۰۰۵؛ ابراهیمی قوام، ۱۹۹۷). کودکان قربانی بدر رفتاری والدین مبتلا به آسیب‌های روانی، بیشتر از کودکان آزار ندیده‌ی چنین والدینی به اختلالات روانی دچار می‌شوند. ظاهراً در کودکانی که مورد بدر رفتاری جنسی قرار گرفته‌اند، عزت نفس پایین، افسردگی، اختلالات تجزیه‌ای و سومصرف مواد بیشتر دیده می‌شود (اوحدی، ۲۰۰۶).

بخشش^۱ و گذشت، فرآیند چشم پوشی ارادی از حق عصبانیت و انزجار از عمل ارتكابی زیان آور تعریف شده و معمولاً ماهیتی امتدادی دارد. از این رو، برخی آن را وظیفه ی اخلاقی و برخی نیز حق اخلاقی می‌دانند. در فرهنگ نامه ی آکسفورد، بخشش، عمل بخشودن و حالتی از بخشیدگی تعریف می‌شود (از پولارد، اندرسون، اندرسون و جنیگز، ۱۹۹۸). این تعریف ناظر بر آن است که بخشش حالتی فعالانه و نیز منفعلانه دارد و هم شامل آن چیزی است که دهنده می‌دهد و هم آن چیزی که گیرنده عایدش می‌شود. با توجه به ماهیت اضدادی بخشش و نیز تلقی آن به صورت یک وظیفه اخلاقی نه یک حق اخلاقی، اندیشمندان حوزه ی مطالعات خانواده به ویژه درمانگران و مشاوران خانواده در صدد برآمدند که تعریفی موثق و روشن از بخشش ارائه کنند (بهاری و سیف، ۲۰۰۱). نورث (۱۹۹۸) عقیده دارد که بخشودگی تنها یک عمل اخلاقی نیست، بلکه ماهیتاً فرآیندی التیام بخش است که می‌توان آن را به شکل مداخلات درمانی در مشاوره های خانواده، به ویژه رابطه ی دوتایی (زن و شوهر، ولی و فرزند، خواهر و برادر، پدر و مادر و مانند آن) به کار بست. در ایران، بهاری و سیف (۲۰۰۳) احتمالاً برای اولین بار به معرفی بخشش به عنوان یک مدل درمانی در مشاوره خانواده و ازدواج پرداختند. یک سال بعد، خدایاری فرد، غباری بناب و یکتا (۲۰۰۱) گزارش کردند که کاربرد روش درمانی عفو و بخشش در اصلاح افکار و احساسات و رفتار افراد رنجیده، موثر است

و سبب بهبود روابط با دیگران می‌شود. همچنین سیف و بهاری (۲۰۰۱) برای اولین بار به هنجاریابی مقیاس سنجش بخشش خانواده (پولارد و همکاران، ۱۹۹۸) در خانواده‌های اصلی و هسته ای در زوج‌های ایرانی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که مقیاس سنجش بخشش^۱ (FFS) در خانواده از اعتبار و پایایی مناسبی برخوردار است. مطالعه آنها نشان داد که بین میزان بخشش در خانواده ی اصلی و خانواده ی هسته ای، رابطه ی معناداری وجود دارد. سیف و بهاری (۲۰۰۴) در مطالعه ی خود پی بردند که بین بخشش و سلامت روان زوجین و نیز بین میزان بخشش در خانواده ی اصلی و خانواده هسته ای و رضایت زناشویی، رابطه ی معناداری وجود دارد. خدایاری فرد، غباری بناب، فقیهی و وحدت (۲۰۰۸) با استفاده از روش درمانی عفو با تاکید بر دیدگاه اسلامی به مطالعه موردی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کاربرد روش درمانی عفو و بخشش در اصلاح افکار، احساسات و رفتار افراد رنجیده موثر است و سبب بهبودی روابط با دیگران می‌شود.

اسنایدر و هاینز (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی رابطه ی بین بخشش به عنوان یک میانجی با استرس پس از حادثه و خصومت و آزار در دوران کودکی در افراد بزرگسال پرداختند. نتایج این پژوهش بیانگر وجود رابطه ی بین بخشش و سابقه ی آزار دیدگی بود (فریدمن، ۱۹۹۹). اینزایت و کوئل (۱۹۹۸) در یک نتیجه گیری درباره ی انتقال نسلی بخشودگی نشان می‌دهد که بخشودگی به حال نسل‌های بعدی در خانواده های چند نسلی (گسترده) سودمند است. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچه مدت زمان ازدواج بیشتر شود، میزان بخشودگی کاهش می‌یابد؛ به عبارتی دیگر، میزان بخشودگی در سال‌های نخستین ازدواج به گونه ای چشمگیر بیش از سال‌های بعدی زندگی زناشویی است، همسران دارای فرزند، بخشودگی کمتری نسبت به زوج‌های بی فرزند نشان می‌دهند، در خانواده‌هایی که بخشودگی وجود دارد، فرزندان هم، زمان ازدواج به همان میزان بخشودگی از خود نشان می‌دهند که این دال بر انتقال بخشودگی از نسلی به نسل بعد خواهد بود (سیف و بهاری، ۲۰۰۴). فیچم، پالیری و رگالیا (۲۰۰۲) نشان دادند که بخشش، به بهبود کیفیت روابط زوج‌ها می‌انجامد. این بهبود کیفیت در برگیرنده ی کاهش پرخاشگری و خشونت در زوجین است. شیبیک (۲۰۰۶) در پژوهشی به بررسی نقش بخشش در درمان ترومای روانی پرداخته است که یافته های پژوهش، نشان دهنده ی نقش بخشش در میزان ترومای وارده و همچنین تاثیر آن در زندگی روزمره دارد. اورث، برکینگ، والکر، لارنز و آنسیورک (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی بخشش و سازگاری روانی پس از تجاوزات میان

1. Family Forgiveness Scale

فردی در یک تجزیه و تحلیل طولی روی ۱۴۷ نفر که تجاوز را در کودکی تجربه کرده اند، پرداخته و نتایج آنها بیانگر وجود رابطه ی بین سازگاری روانی و بخشش و میزان آزار روانی بود. پیتس، هادگس و سالمالی (۲۰۱۲) نشان دادند که میزان بخشش در افراد صدمه دیده از دوران کودکی کمتر از افراد عادی است. بکنباچ، جیاردانو، سلز و تالرود (۲۰۰۷) گزارش کردند افرادی که سابقه ی بد رفتاری در کودکی دارند، از میزان بخشش کمتری نسبت به کسانی که سابقه بد رفتاری ندارند برخوردارند. کاردی، میلیچ، هریس و کیرنز (۲۰۰۶) نشان دادند زنانی که سابقه ی آزار دیدگی دارند از عزت نفس پایین تری برخوردارند و همچنین زنانی که سابقه ی آزار دارند، میزان بخشش پایین تری دارند. مالتبی، دی و بالبر (۲۰۰۴) پی بردند که بخشودگی با دو جنبه از سلامت روانی؛ یعنی عاطفه ی مثبت و رضایت از زندگی رابطه دارد و در بین زنان و مردان در متغیرهای شخصیت و سلامت روانی با توجه به متغیر بخشیدن دیگران تفاوت هایی وجود دارد. توانایی در بخشیدن با شناسه های سلامت روانی چون رفاه و بهروزی، شادی، افکار بخشنده، شناخت ها و رفتارهای دارای شاخص بهتر سلامت روان و ناتوانی در بخشیدن با نشانه های سلامت روانی ضعیف تر همچون افسردگی، تنش، اضطراب، شکایات جسمی، اختلال در کارکرد اجتماعی و خشم همراه است. پارگامنت، اسمیت، کویینگ و پرز (۱۹۹۸) بیان نمودند که بخشودگی زمانی موفقیت آمیز است که فرد با استفاده از یک روش مقابله ای انتقالی بتواند دوباره عقاید و ارزش هایش را مورد بازنگری قرار دهد. در این صورت است که بخشودگی می تواند احساسات آزار، خصومت و رنجش را دور کند. از نظر ویتولیت، لیویدیک و ندرلان (۲۰۰۱) بخشیدن (فزونی خاطره های آزاردهنده) باعث افزایش احساسات منفی و استرس های فیزیکی بزرگ تر می شود؛ به بیان دیگر، داشتن تصویر بخشش (توجه به چشم اندازهای همدلانه) باعث پایین آمدن سطح فشارهای روانی می شود. با توجه به بحث مطرح شده، هدف این پژوهش بررسی انواع بد رفتاری در دوران کودکی و رابطه ی آن با بخشش در افراد متاهل ساکن تهران بود.

روش

این پژوهش یک تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه ی آماری پژوهش زنان و مردان متاهل شهر تهران در سال ۱۳۹۲ بودند. از این جامعه، ۳۵۰ نفر از مراکز تفریحی، فرهنگسراها و خانه های سلامت مناطق ۳، ۷، ۹، ۱۹ و ۲۰ به صورت نمونه ی در دسترس انتخاب و با مقیاس خود گزارشی

کودک آزاری^۱ (CASRS) و پرسشنامه ی سنجش بخشش در خانواده^۲ (FFS) مورد آزمون قرار گرفتند.

مقیاس خودگزارشی کودک آزاری (CASRS)، توسط محمدخانی، محمدی، نظری و صلواتی (۲۰۰۳) تهیه و دارای ۳۸ گویه است و دامنه ای از آزار جنسی تا آزار عاطفی و جو منفی خانه، آزار جسمی و بی توجهی نسبت به کودک را مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد. ۸ سوال این مقیاس برای آزار جسمی کودک (سوالات ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ و ۳۳)، ۵ سوال برای آزار جنسی (سوالات ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸) ۱۴ سوال برای آزار عاطفی (سوالات ۱ تا ۱۴) و ۱۱ سوال برای بی توجهی و غفلت (سوالات ۱۵ تا ۲۵) در نظر گرفته شده است. هر یک از سوالات مقیاس فوق، بر اساس درجه بندی لیکرت در مقیاس ۴ گزینه ای با واژه هرگز که بیانگر نبود آزار، گاهی اوقات، اکثر اوقات، همیشه که بیانگر وجود مداوم آزار درجه بندی شده است. با توجه به این امر که آزمون ۴ طبقه را می سنجد (آزار جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت) لذا ۴ نمره مربوط به ۴ خرده مقیاس نیز تعیین می شود. محمدخانی و همکاران (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس خود گزارشی کودک آزاری را برابر ۰/۹۲ به دست آورد. این ضریب، نشان می دهد که مقیاس ضریب همسانی درونی بالایی دارد. این ضریب برای خرده مقیاس های آزار عاطفی، غفلت، آزار جسمی و آزار جنسی از ۰/۸۹ تا ۰/۷۹ بوده و همچنین تمامی ضرایب محاسبه شده در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنادار بود. ضریب آلفا کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۰ به دست آمد و برای خرده مقیاس های آزار جنسی، جسمی، عاطفی و روانی و غفلت به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۱، ۰/۷۲ و ۰/۷۴ به دست آمد. همچنین گویه های ۱۵ تا ۲۵ که مربوط به زیر مقیاس غفلت و بی توجهی نسبت به کودک هستند، به صورت وارونه نمره گذاری می شود.

پرسشنامه ی سنجش بخشش در خانواده (FFS) توسط پولارد، اندرسون، اندرسون و جنینگر (بهاری و سیف، ۲۰۰۳) تهیه شده است. این مقیاس، متشکل از ۴۰ ماده و از دو بخش تشکیل شده است. ۲۰ ماده ی اول آن به روابط خانواده اصلی و ۲۰ ماده ی دیگر به روابط زناشویی فعلی مربوط است. نمره گذاری مقیاس مذکور روی یک مقیاس لیکرتی ۵ درجه ای، از ۱ (هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) صورت می گیرد. کسب نمره ی بالا در این آزمون نشان دهنده ی میزان بخشش بالاست. پولارد و همکاران (۱۹۹۸)، در تحقیق روی ۲۲۹ زن و ۱۱۳ مرد، ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۳ گزارش کردند. سیف و

بهاری (۲۰۰۳) در مطالعه ای روی یک نمونه ی ۷۶۶ نفری از متاهلین شهر تهران، پایایی کل آزمون را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بدست آوردند. پولارد و همکاران (۱۹۹۸) برای بررسی روایی مقیاس بخشش خانواده، با استفاده از یک نمونه ی ۳۴۲ نفری، این مقیاس را با مقیاس خودمختاری ورتینگتون و مقیاس اخلاق رابطه ای همبسته کردند. نتایج تحلیل نشان داد که مقیاس بخشش خانواده دارای روایی همگرای مطلوبی است. همچنین، نتایج نشان داد که مقیاس بخشش خانواده دارای روایی سازه قابل قبولی است. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ بخشش خانواده ی اصلی ۰/۹۰ و ضریب آلفای کرونباخ خانواده ی فعلی ۰/۷۳ به دست آمد. به منظور تعیین رابطه بین انواع بدرفتاری والدین در دوران کودکی با بخشش در افراد متاهل از ضرایب همبستگی و جهت تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش بین (بدرفتاری جنسی، جسمی، عاطفی و غفلت) در تبیین متغیر ملاک (بخشش) از رگرسیون خطی و رگرسیون چندگانه استفاده شد. همچنین جهت مقایسه تفاوت آزار دیدگی و میزان بخشش در هر دو جنس از t مستقل استفاده شد. داده ها با شانزدهمین ویرایش نرم افزار SPSS تحلیل شد.

یافته ها

در جدول ۱، ویژگی های جمعیت شناختی آزمودنی ها ارایه شده است.

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی نمونه ی پژوهش (N=۳۳۷)

عوامل جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۱۵۵ / ۴۶٪
	زن	۱۸۲ / ۵۴٪
تحصیلات	دیپلم	۶۳ / ۱۸/۷٪
	فوق دیپلم	۷۱ / ۲۱/۱٪
	لیسانس	۱۳۴ / ۳۹/۸٪
	فوق لیسانس	۶۹ / ۲۰/۵٪
سن	۲۰ تا ۳۰	۹۰ / ۲۶/۷٪
	۳۱ تا ۴۰	۱۸۶ / ۵۲/۲٪
	۴۱ تا ۵۰	۶۱ / ۱۸/۱٪

مؤلفه های شاخص توصیفی نمرات کل بد رفتاری و بخشش و همچنین خرده مقیاس های بد رفتاری و بخشش در زنان و مردان در جداول ۲ ارائه شده است

جدول ۲: شاخص های توصیفی نمره ی کل و خرده مقیاس های بد رفتاری و بخشش در زنان و مردان

خرده مقیاس	کل		زنان		مردان	
	Sd	M	Sd	M	Sd	M
جنسی	۴/۷۳	۱۲/۱۷	۴/۸۱	۱۲/۵۴	۴/۶۲	۱۱/۷۲
جسمی	۳/۳۵	۷/۳۸	۳/۷۰	۷/۸۷	۲/۸۰	۶/۸۱
عاطفی	۷/۴۰	۲۲/۵۴	۸/۳۴	۲۳/۵۴	۵/۹۳	۲۱/۳۷
غفلت	۷/۵۵	۲۲/۰۰	۷/۷۸	۲۲/۳۷	۷/۲۸	۲۱/۵۸
بخشش خانواده ی اصلی	۶/۵۹	۴۸/۳۶	۵/۴۵	۴۸/۹۶	۷/۶۷	۴۷/۶۶
بخشش خانواده ی فعلی	۸/۰۶	۵۳/۲۰	۷/۱۹	۵۲/۹۷	۹/۰۰	۵۳/۴۶
بدر رفتاری کل	۱۸/۱۴	۶۳/۹۴	۱۹/۶۱	۶۶/۲۳	۱۵/۸۹	۶۱/۲۶
بخشش کل	۱۱/۶۰	۱۰۱/۸۴	۱۰/۰۲	۱۰۱/۹۳	۱۳/۲۵	۱۰۱/۷۳

در جدول ۳، ماتریس همبستگی بین نمره ی کل و خرده مقیاس های بد رفتاری و بخشش ارائه شده است.

جدول ۳: ماتریکس همبستگی بین بد رفتاری با بخشش (n=۳۳۷)

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
بدر رفتاری نمره کل	۱							
آزار جنسی	۰/۷۵**	۱						
آزار جسمی	۰/۶۰**	۰/۶۶**	۱					
آزار عاطفی	۰/۸۷**	۰/۵۰**	۰/۴۳**	۱				
غفلت	۰/۷۹**	۰/۳۷**	۰/۱۸**	۰/۶۱**	۱			
بخشش نمره کل	-۰/۱۱*	۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۲۴**	۱		
بخشش خانواده اصلی	-۰/۰۰	-۰/۰۷	۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰/۱۱*	۰/۶۸**	۱	
بخشش خانواده فعلی	-۰/۱۸**	-۰/۰۲	-۰/۰۶	-۰/۱۳*	-۰/۲۸**	۰/۸۷**	۰/۳۲**	۱

0.05 < *. P سطح معناداری 0.01 < **. P

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می شود، بین آزار دیدگی و بخشش، رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چقدر فرد در دوران کودکی آزار بیشتری را تجربه کرده باشد از میزان بخشش کمتری در بزرگسالی برخوردار است.

با توجه به اینکه تحلیل واریانس، اعتبار تحلیل رگرسیون گام به گام را در پیش بینی بخشش مورد تایید قرارداد ($F=11/70$ و $P < 0/001$). در گام نهایی ۴ خرده مقیاس غفلت، آزار جسمی، آزار جنسی و آزار عاطفی برای پیش بینی میزان بخشش وارد معادله ی رگرسیون شده اند که به ترتیب غفلت با ضریب استاندارد بتا $0/40-$ ، آزار جسمی $0/28$ ، آزار جنسی $0/24-$ و آزار عاطفی با ضریب بتا $0/16$ توان پیش بینی معناداری برای میزان بخشش داشته اند ($P < 0/001$). این ضرایب بتا بدین معناست که به ازای یک واحد متغیر در متغیرهای غفلت، آزار جسمی، جنسی و عاطفی به تفکیک $0/40-$ واحد تغییر برای غفلت، $0/28$ واحد تغییر برای آزار جسمی، $0/24-$ واحد تغییر برای آزار جنسی و $0/16$ واحد تغییر برای آزار عاطفی در میزان بخشش افراد در بزرگسالی به وقوع می پیوندد.

مقایسه ی نمرات زنان و مردان در آزار دیدگی، نشان داد که آزار دیدگی بین مردان و زنان ($t=2/52$) تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. همچنین خرده مقیاس های آزار جسمی ($t=-2/92$) و آزار عاطفی ($t=-2/70$) در زنان و مردان و بخشش خانواده ی اصلی ($t=-1/81$) نیز بین زنان و مردان تفاوت معناداری داشتند.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی انواع بدرفتاری ها در دوران کودکی و بخشش در افراد متاهل ساکن شهر تهران پرداخته شده است. با توجه به نتایج یافته ها در این پژوهش، می توان گفت کسانی که از تجربه بدرفتاری بیشتری در دوران کودکی برخوردار بوده اند از میزان بخشش کمتری در بزرگسالی برخوردارند، همچنین خرده مقیاس آزار عاطفی با بخشش خانواده ی اصلی (والدین، خواهر و برادرها و سایر افراد مهم خانواده) رابطه ی منفی و معناداری دارد؛ یعنی هر چقدر آزار عاطفی در دوران کودکی بالا باشد میزان بخشش فرد نسبت به خانواده ی اصلی خود کمتر است و بالعکس؛ همچنین بین خرده مقیاس غفلت با بخشش خانواده ی اصلی و بخشش خانواده ی فعلی (همسر و فرزندان) رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چقدر تجربه ی غفلت در دوران کودکی بیشتر باشد میزان بخشش فرد نسبت به خانواده ی اصلی و خانواده ی فعلی خود کمتر می شود و بالعکس. رگرسیون گام

به گام نشان داد که خرده مقیاسهای آزار جنسی، آزار جسمی، آزار عاطفی و غفلت در پیش‌بینی بخشش افراد در بزرگسالی موثر بوده و نهایتاً خرده مقیاس غفلت با بتای (۰/۴۰-) بیشترین سهم را در تبیین متغیر بخشش دارد، همچنین دریافتیم که بین میزان بدرفتاری در زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج یافته‌های ما با پژوهش اینرایت (۲۰۰۶) مبنی بر اثر بخشش در زنانی که در گذشته مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند، همسویی دارد. در نتایج اینرایت، مشخص شد زنانی که مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند نسبت به دیگر زنان، در برابر همسر و فرزندان‌شان از بخشش کمتری برخوردارند. همچنین یافته‌های ما با پژوهشهای اسنایدر و هاینز (۲۰۰۲) که به بررسی رابطه‌ی بین بخشش به عنوان یک میانجی با استرس پس از حادثه و خصومت و آزار در کودکی در بزرگسالان، همسو است. همچنین یافته‌های فریدمن (۱۹۹۹) که به بررسی بخشش در زنان بازمانده از زنانی با محارم پرداخته است، همسویی دارد. تحقیقات شیبیک (۲۰۰۶) که به بررسی نقش بخشش در درمان ترومای روانی پرداخته است با یافته‌های پژوهش حاضر همسویی دارد. همچنین پژوهش اورث، برکینگ، والکر و مایر (۲۰۰۷) که به بررسی بخشش و سازگاری روانی پس از تجاوزات میان فردی، در یک تجزیه و تحلیل طولی روی ۱۴۷ نفر تجاوز دیده در کودکی نیز، با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. با توجه به مطالعه پژوهش‌های مشابه و نتایج به دست آمده، به این نتیجه می‌توان دست یافت که نوع برخورد والدین با کودکان در دوران شکل‌گیری شخصیتی آنها، می‌تواند نوع طرحواره‌های ذهنی فرد را طوری شکل دهد که در بزرگسالی نیز در برخورد با افراد متعدد، فشارها و استرس‌های روزمره در زندگی خود بر اساس همان طرحواره‌های شکل گرفته، رفتار کند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه فرد آزار دیده در دوران کودکی با هر اشتباهی از سوی والدین با تنبیه مواجهه بوده و در ذهن و طرحواره‌ی او هر اشتباهی با عدم بخشش و گذشت نقش بسته است، اکنون در زندگی شخصی‌اش به سختی می‌تواند رفتارهای اشتباه اطرافیان خود را به دیده‌ی اغماض بنگرد نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میزان بخشش در افراد با سابقه‌ی بدرفتاری، نسبت به افراد عادی کمتر است.

References

- Abrahimi Ghavam, S. (1997). Characteristics of psychological, behavioral, social, and sexual abuse [victims] paper presented at the conference of Iranian children and adolescents. 1997;P 88-93. (Persian).
- Asadolahi, A., & Baratvand, M. (2005). The pattern of the relationship between child abuse and criminal mischief parents of abused children. *Journal of Social Welfare*, 2005, Issue 19, P35-48. (Persian).
- Bahari, F., & Seif, S. (2001). Standardization, standardization and validated measure of relief to the families of Iranian families. *Institute for Women*, Al-Zahra University, 2001 (Persian).
- Bahari, F., & Seif, S. (2003). Forgiveness: A model of family therapy and marriage counseling. *News and research and consulting. Volume II, Number 7, 8, pp. 49-66* (Persian).

- Bahari, F., & Seif, S. (2004). The relationship between mental health and their lives spared. *Psychological Studies, School of Education and Psychology, University of Al-Zahra*, Volume 1, Number 1, 9. (Persian).
- Beckenbach, J., Giordano, F., Sells, J., & Tollerud, T. (2007). Sexual abuse and forgiveness: A regression analysis. *Professional Issues in Counseling*, 12. Retrieved from <http://www.shsu.edu/~piic/summer2007/index.html>
- Cardi Michelle, Milich Richard, Harris Monica, J., & Kearns Evan (2006). Self-esteem moderates the response to forgiveness instructions among women with a history of victimization. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jrp.2006.09.007>. *How to Cite or Link Using DOI*
- Enright, R. D., & Coyle, C.T. (1998). Researching the process model of forgiveness within psychological interventions. In E.L. Worthington, Jr. (Ed.), *Dimensions of forgiveness* (pp. 139–161). Philadelphia: Templeton Foundation Press.
- Fincham, F. D., Paleari, G., & Regalia, C. (2002). Forgiveness in marriage: The role of relationship quality, attributions, and empathy. *Journal of Personal Relationships*, 9, 27–37.
- Fincham, F. D., Beach, S. R. H., & Davila, J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 18(1), 72–81.
- Freedman, S.(1999). A Voice of Forgiveness One Incest Survivor's Experience Forgiving Her Father. DOI: 10.1300/J085v10n04_04. *Journal of Family Psychotherapy*. Volume 10, Issue 4, 1999.
- Khodayari-fard, M., Ghobari-Bonab, B., & Yekta, Sh. (2001). The relationship between stressors and ways of coping with stress symptoms in youth. *Research Report, Faculty of Psychology and Education, Tehran University*.pp;57-62(Persian).
- Khodayari-fard, M., Ghobari-Bonab, B., Faghihi, A. N., & Vahdat, S.(2008). Islamic-based forgiveness-therapy procedure: case studies. *Journal of Andishe va Raftar* 2008; 8(1): 31-48. (Persian).
- Madani, S.A. (2003). The investigation of child abuse on the basis of certain characteristics, *Journal of Social Welfare*, Tehran University of Social Welfare.pp;32-46. (Persian).
- Maltby, J., Day, L. & Barber, L. (2004). Forgiveness and mental health variables: Interpreting the relationship using an adaptational-continuum model of personality and coping. *Personality and Individual Differences*, 37, 1629-1641.
- Mohamad khani, P., Mohammadi, M., Nazari, M., & Salavati M. (2003). Preparation, Validity and reliability of self-report measures of child abuse (CASRS) Students in Iran . *International Journal of the Islamic Republic of Iran*. Volume 17 Issue 1. 2003;P 26-38. (Persian).
- Mohamad khani, Parvaneh, Delaware, A., & Mohammadi, M.R. (2001). [Quality of life and general health of the parents of abused children]. Of thought and behavior. *National Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. Number of 5,2001 (Persian).
- Norouzi, F.(1993). [Child abuse and neglect background check on students 18-14 years old Tehran]. Master's thesis in clinical psychology. Tehran Psychiatric Institute.1993.pp 55-58 (Persian)
- North, J. (1998). The 'ideal' of forgiveness: A philosopher's exploration. In R.D. Enright & J. North (Eds.), *Exploring forgiveness* (pp. 15-34). Madison, WI: University of Wisconsin Press.
- Ohadi, Behnam. [*Human sexuality*. Posted by Sadegh Hedayat, Eighth Edition]. (2006). pp:285-286. (Persian)
- Orth Ulrich, Berking Matthias, Walker Nadine, Meier Laurenz, L., & H. Znoj ansjörg .(2007). Forgiveness and psychological adjustment following interpersonal transgressions: A longitudinal analysis. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jrp.2007.07.003>.
- Pargament, K. I., Smith, B. W., Koenig, H. G., & Perez, L. (1998). Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37, 710-724
- Peets, Kätlin. Hodges, Ernest V. E., & Salmivalli, Christina. (2012). *Forgiveness and its determinants depending on the interpersonal context of hurt*. Volume 114, Issue 1, January 2013, Pages 131–145. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jecp.2012.05.009>. *How to Cite or Link Using DOI*
- Pollard, M., Anderson, R., Anderson, W., & Jennings, G. (1998). The Development of Family Forgiveness Scale. *Journal of Family Therapy*, 20, 95-109.
- Rahimi Moghar, et al (2003). The prevalence of child abuse in the Tehran area. *Journal of Social Welfare*. Second year, No. 7, pp. 141-161. (Persian).
- Rashidi Far, N.(1998). Demographic factors and personality characteristics of child abuse and neglect in a group of adolescents *Ahar. Journal*, Third Year 1998, No. 4, p. 67-75 (Persian).
- Snyder, C. R., & Heinze, L. S. (2005). Forgiveness as a mediator of the relationship between PTSD and hostility in survivors of childhood abuse. *Cognition and Emotion*, 19, 413-431Silk KR,

- Schibik, John M.(2006). Forgiveness Therapy in Psychological Trauma and Chemical Abuse Treatment. *Journal of Chemical Dependency Treatment* .Volume 8, Issue 2, 2006. DOI: 10.1300/J034v08n02_12.
- Witvliet, C.V. O., Ludwig, T. E., & Vander Laan, K. L. (2001). Granting forgiveness or harboring grudges: *Implications for emotion, physiology, and health. Psychological Science, 12, 117-123.*

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 8 (No. 32), pp. 77-87, 2014

Childhood abuse and the amount of forgiveness in married individuals

Rostami, Mehdi

Science and Research Branch, Tehran, Iran

Abdi, Mansour

University of Arak, Arak, Iran

Heidari, Hassan

Islamic Azad University of Khomein, Science and Research Branch, Khomein,
Iran

Received: Sep, 10, 2014

Accepted: Jun , 20, 2014

Any failure, neglect, or committing any act that would endanger the child's physical and mental health and inflict damage on it, is considered as a child abuse. Abuse and neglect are accompanied with a range of emotional and psychiatric problems. It seems that the experience of maltreatment types during childhood can be effective on the amount of forgiveness in adulthood. The aim of this study was to investigate the relationship between types of childhood abuse and their amount of forgiveness in adulthood. For this purpose, 337 cases were selected from available samples and they were examined in terms of child abuse and amount of forgiveness. The result of multiple regression analysis indicated that the highest rate of abuse being reported was emotional abuse, and the least was physical abuse. The results indicated a significant negative correlation between the types of abuse experienced in childhood along with forgiveness. Research results indicated that sexual abuse, physical abuse, emotional abuse and neglect are able to predict the amount of the forgiveness in adulthood. There was a significant difference between abuse in men and women, but there was no significant difference in the amount of forgiveness. This study indicated that the experience of childhood abuse types can have major impact on adulthood's forgiveness

Keywords: abuse, forgiveness

Electronic mail may be sent to: mehdirostamisbu@yahoo.com